

حادثه‌ها

رسیدگی خارج از نوبت به پرونده قتل داداشی

■ برنا:استاندار البرز خبر داد پرونده قاتلان روح‌الله داداشی، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود. عیسی فرهادی گفت: پرونده قاتلان این قهرمان کشور در حال حاضر در اختیار دستگاه قضایی قرار گرفته است و به طور قطع دستگاه قضا هر چه سریع‌تر و خارج از نوبت به این پرونده رسیدگی می‌کند. استاندار البرز از اشد مجازات محکومان این پرونده خبر داد و علت این قتل را درگیری لفظی عنوان کرد. این در حالی است که برنا در خبر دیگری نوشت در جدیدترین اطلاعاتی که پلیس آگاهی از این قتل به دست آورده، مشخص شده است پلاک خودرو قاتلان دستکاری شده و در اصل برای یک خودرو پژو آردی بود که روی پراید مشکی رنگ نصب شده بود و همین موضوع احتمال برنامه‌ریزی شده بودن قتل را قوت بخشیده است.

عبدالحسین ناصری، سخنگوی کمیسیون سیاست داخلی و امور شوراها نیز در این‌باره به ایسنا گفت: «پلیس در کمتر از ۲۶ ساعت با بررسی بیش از دوهزار ماشینپراید در استان البرز، ضاربان را دستگیر کرد. البته پس از دستگیری مشخص شد خودرو پراید متعلق به ضاربان نبوده و مالک این خودرو داماد آنهاست.»

وی افزود: طبق گزارش اعضای کمیسیون، سه ضارب مرحوم داداشی ۱۷، ۱۹ و ۲۶ساله هستند که یکی از آنها در زمان درگیری در ماشین خواب بوده و متوجه درگیری نشده بود و دو نفر دیگر با استفاده از آلت قتاله قمه که در ماشین داشتند با مرحوم داداشی درگیر شدند و سه ضربه به ناحیه سینه و گردن مقتول زدند و او را به قتل رساندند. ناصری با تأکید بر اینکه ضاربان بدون هیچ ذهنیت و آشنایی قبلی دست به این اقدام زدند،ا گفت: هیچ انگیزه سیاسی یا خصومت قبلی و بحث‌های اجتماعی که این روزها در جریان مختلف در مورد این حادثه مطرح می‌شود، وجود نداشته است.

اعدام سه متجاوز به عنف در ملاءعام

■ ایسنا: حکم اعدام سه جوان متجاوز به عنف صبح دیروز در میدان آزادی کرمانشاه اجرا شد. این سه جوان به نام‌های «عیلاد، ق»، «جواد الف» و «جواد الف» ۱۰صبح دیروز در حضور مردم بهار آویخته شدند. مجتبی ملکی، دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه در جمع مردم درباره این محکومان گفت: حکم اعدام این سه نفر به اتهام آدم‌ربایی، تجاوز به عنف و تهیه فیلم به منظور اخذاتی به مرحله اجرا در آمد. وی افزود: از ابتدای سال تاکنون این پنجمین اعدام متجاوزان به عنف در استان کرمانشاه است. دادستان کرمانشاه تأکید کرد: دستگاه قضایی در برخورد با متجاوزان به عنف و توافیس مردم مصمم است.

انوبوس مسروقه چپ کرد

■ شرق: ناآوانی سارق اتوبوس در هدایت و کنترل آن باعث واژگونی این خودرو و آسیب‌دیدگی دو شهروند شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران ستاد فرماندهی این سازمان ساعت ۲۳:۲۵ دوشنبه به اطلاع از وقوع حادثه‌ای، آتش‌نشنان ایستگاه ۳۴ را به جاده مخصوص کرج اعزام کرد. محمد طالش‌خان فرمانده آتش‌نشنان گفت: یک دستگاه اتوبوس درون‌شهری متعلق به بخش خصوصی که از پایانه آزادی به سرقت رفته بود بر اثر ناآوانی راننده در کنترل آن هنگام ورود به جاده مخصوص کرج به شدت با خودرو سواری که در این مسیر در حرکت بود، برخورد کرد. به گفته وی، پس از واژگون‌شدن خودرو سواری، اتوبوس هم در برخورد به جدول و درخت کنار جاده واژگون و متوقف شد.

وی افزود: آتش‌نشنان پس از ایمن‌سازی محل و قرار دادن علایم هشداردهنده و قطع سیستم برق و گاز خودروها از رخداد حادثه احتمالی پیشگیری کردند. طالش‌خان افزود: آتش‌نشنان رانده ۳۵ ساله خودرو سواری و دو رهگذر پیاده را که در این حادثه آسیب‌دیده بودند، برای مداوا و اعزام به مرکز درمانی در اختیار امدادگران اورژانس قرار دادند.

آتش‌سوزی در قطار مسافربری تهران—مشهد

■ مهر: یک قطار مسافربری تهران – مشهد صبح دیروز دچار آتش‌سوزی شد. این حادثه تلفات جانی در پی نداشت و ۲۷۲ مسافر این قطار با قطار دیگری به مشهد منتقل شدند. این حادثه ساعت ۱۱:۳۸ دیروز در یکی از واگن‌های قطار و در زیریل تقاطع راه‌آهن با جاده روستای بکران شاهرود در ۳۰ کیلومتری میامی به سمت ایستگاه‌بکران به جارجم اتفاق افتاد. مسئولان راه‌آهن هنوز علت وقوع حادثه را اعلام نکرده‌اند.

شرق: مردی مسلح برای دستبرد به یک جواهرفروشی در چهاردانگه، صاحب مغازه و سه مشتری را به مدت یک ساعت گروگان گرفت اما سرانجام با مقاومت آنها دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، مردی جوان ساعت۱۰:۵۵صبح دیروز در حالی که یک زنجیر بدلی در دست داشت به جواهرفروشی سعیدواقع در خیابان ۱۸متری چهاردانگه رفت تا آن را به جای طلا بفروشد اما مرد زرگر در همان نگاه اول متوجه قلایی بودن زنجیر شد و مشاخرهای بین او و مشتری کلاهبردار در گرفت و صاحب طلافروشی نیز مشتری را تهدید کرد با پلیس ۱۱۰ تماس می‌گیرد و موضوع رااطلاع می‌دهد. در همین هنگام مشتری متقلب سلاحی را از زیر لباسش بیرون کشید و آن را به طرف صاحب مغازه نشانه گرفت. این اتفاق در حالی رخ داد که یک مرد میانسال نیز همراه پسر و عروسش برای خرید حلقه نامزدی در جواهرفروشی حضور داشتند و با دیدن این صحنه شوکه شدند. مرد مسلح در حالی که فریاد می‌کشید، حاضران در مغازه را به مرگ تهدید کرد و از مالک آنجا خواست همه جواهراتش را به او بدهد و سپس در الکترونیکی را باز کند. اما مرد زرگر تسلیم سارق مسلح نشد و از دادن مالولش خودداری کرد. این گونه بود که درگیری بالا گرفت و مهاجم ناشناس در یک لحظه انگشتش را روی ماشه فشرد و گلوله‌ای شلیک کرد که به دیوار خورد. او سپس برای اینکه ثابت کند تهدیدهایش جدی است سه تیر دیگر نیز شلیک کرد که اصابت یکی از گلوله‌ها به ران پای مرد جواهرفروش باعث جراحات او شد. دقایقی پس از این حادثه در حالی‌که علبران بیرون مغازه تجمع کرده بودند و کاری از دست‌شان برنمی‌آمد، مأموران پلیس از راه رسیدند و طلافروشی سعید را به محاصره درآوردند. آنها که از وقایع داخل مغازه بی‌اطلاع بودند، سعی کردند در وهله اول، راه فرار مهاجم را ببینند و سپس وارد زرگری شوند و متهم را دستگیر کنند. یک ساعت بعد از این واقعه، ناگهان در مغازه باز شد و مأموران مشاهده کردند متهم در چنگ مرد

حوادث

صبح دیروز توسط مردی مسلح در چهاردانگه رخ داد

گروگانگیری یک‌ساعته در جواهرفروشی



علی عامل اصلی سرقت از جواهر فروشی عکس: شرق



جواهر فروشی سعید، محل وقوع حادثه

زخمی و مشربتابش گرفتار شده است. آنها به مأموران توضیح دادند در یک لحظه از غفلت مرد مسلح استفاده کردند و بعد از درگیری با او و خلع سلاح کردنش، وی را دستگیر کردند. پس از آن، مرد زخمی به بیمارستان فیاض‌بخش منتقل شد تا تحت درمان قرار بگیرد. به صورت همزمان بازجویی‌ها از متهم نیز شروع و مشخص شد او یک معناد سابقه‌دار به نام علی است. مرد ۳۴ساله در اعترافاتش گفت: «من و همدم‌تم قرار بود بعدازظهر از این مغازه سرقت کنیم. صبح برای فروش دستبند بدلی به آنجا رفتیم و می‌خواستیم فضای داخل مغازه را هم شناسایی کنم ولی درگیری پیش آمد و همان موقع همدم‌تم که بیرون مغازه ایستاده بود، فرار کرد.» او ادامه داد: «ما از قبل برای این سرقت برنامه‌ریزی و حتی با یک مالخر هم صحبت کرده بودیم و قرار بود بعد از زدی، جواهرات را به او بدهیم. من و همدم‌تم به خاطر

خواهر و برادر متهم به قتل ادعای بی‌گناهی کردند

معمای قتل مرد مرموز

نوه خاله من نبوده بلکه دوستم هم بود. چند روز بعد وقتی جسد سعید را در بیابان‌های اطراف اسلامشهر در حالی‌که به آتش کشیده شده بود، پیدا کردند مادرش من را متهم به قتل کرد، در حالی‌که من هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم و در آن زمان در یادگان و سرخدمت بودم. کاری که مادر سعید با من کرد باعث شد تا زندگی‌ام نابود شود. وقتی زندانی شدم همسرم باردار بود و حالا پسری سه‌ساله دارم. از محل کارم اخراج شدم و زندگی‌ام دگرگون شد. فرزندم را فقط یکبار دیدهام و اگر او من را ببیند متوجه نمی‌شود پدرش هستن. من قاتل نیستم و مستحق این ظلم نبودم. در این هنگام قاضی دادگاه از متهم پرسید: مدعی هستی با سعید دوست بودی پس چطور نمی‌دستی او نزول خوار است و دشمنان زیادی دارد؟ متهم جواب داد: سعید در مورد مسایل کاری‌اش با من صحبت نمی‌کرد و من هم اهمیتی نمی‌دادم. ما بیشتر در مورد خردمان و خانواده‌هایمان با هم حرف می‌زدیم و این مسایل ربطی به من نداشت. ضمن اینکه سعید اگر آدم بدی بود، هیچ‌وقت به من بدی نکرد. او یا خواهرم که یک‌بار در زندگی‌اش شکست خورده بود، ازدواج کرد و خواهرم از او سه فرزند دارد، من دلیلی برای قتل او نداشتم. حمید درباره اینکه برادرش علیرضا کجاست، گفت: برادرم دو سال قبل از این حادثه همسرش را به قتل رساند، او به مادرنش گفت چه کرده است و سپس متواری شد. فرزندانش را مادرم بزرگ می‌کند و او را علیرضا خبر نداریم. او فکر می‌کرد همسرش به او خیانت می‌کند. او آنقدر به سعید اعتماد داشت که بعد از قتل زنش مدتی در خانه سعید مخفی شد.

سپس سمیرا متهم ردیف دوم به جایگاه آمد. این زن مثل برادرش اتهامش را رد کرد و گفت: من و سعید رابطه خوبی داشتیم. هرچند او به خاطر اینکه پدر و مادرش جداشده بودند و سعید در بدبختی و بیچارگی بزرگ شده، عصبی بود و گاهی هم من را می‌زد اما بعد از اینکه عصبانیتش از بین می‌رفت، آنقدر با من مهربان بود که دوباره همه چیز به حالت عادی برمی‌گشت. سعید خیلی به من اعتماد داشت و همه کارهای بانکی‌اش را من انجام می‌دادم. او ضعف اعصاب داشت و نمی‌توانست شلوغی بانک را تحمل کند. در تمام سال‌هایی که با او زندگی کردم، سعید را دوست داشتم. او همیشه همه چیز را در اختیارم می‌گذاشت و اجازه نمی‌داد به من و بچه‌ها بد بگذرد. سمیرا درباره اینکه چرا سعید زنی را سیغه کرده بود، گفت: از زینا زن بدبختی بود و بیوه شده بود. سعید در خانه مادرزنگش با او آشنا شده و با او به صورت صیغهای ازدواج کرده بود وقتی زینا را آورد، من اول خیلی ناراحت شدم اما بعد چون همیشه برایم همه چیز را فراهم می‌کرد، ازینا را قبول کردم. البته به سعید هم حق می‌دادم. چون من باردار بودم و باید استراحت مطلق می‌کردم، من از سعید سه فرزند دارم، او آنقدر مرا دوست داشت که به من می‌گفت باید برایم پسر به

قتل به خاطر اختلاف ۹۰هزار تومانی

تمیز کردن خودرواش بود که ناگهان مرد موتورسواری سر رسید و با او درگیر شد. او به حسن می‌گفت تو کلاهبردار هستی. چند دقیقه بعد وقتی درگیری بین آنها بالا گرفت مرد موتورسوار ضربه مشتى به سر حسن کوبید و او را نقش‌زمین کرد و خیلی سریع از آنجا فرار کرد.

مأموران در ادامه در حالی‌که از وقوع قتل، مطمئن شده بودند با انجام چهرنگاری از متهم و همچنین با توجه به اطلاعاتی که مقتول پیش از مرگ در اختیار پدرش قرار داده بود، دریافتند

او مردی ۴۲ساله به نام داوود است که مدت‌ها قبل با حسن مراوده کاری داشت. به این ترتیب، مخفیگاه



او مردی ۴۲ساله به نام داوود است که مدت‌ها قبل با حسن مراوده کاری داشت. به این ترتیب، مخفیگاه

مردی درگیر شده و به خاطر ضربه مشتى که به سرش خورده، حال خوبی ندارد. خیلی سریع خودم را به آنجا رساندم و پسرم را به بیمارستان بردم. او حالت تهوع داشت و نمی‌توانست تعادلش را حفظ کند اما وقتی پزشکان او را معاینه کردند، گفتند وضعیتش رضایت‌بخش است و او را ترخیص کردند، اما افرادی آن روز دوباره حالش بد شد و در حالی که دچار سرگیجه و تهوع شده بود او را به همان بیمارستان رساندم و دقایقی بعد روی تخت بیمارستان جان باخت.» در همین حال یکی از همکاران متوفی در موسسه کرایه اتومبیل نیز به مأموران گفت: حسن روز حادثه بیرون از آژانس مشغول

نگاه

سلاح سرد، علت نیست



عبدالصمد خرمشاهی

■ در روزهای اخیر و به ویژه در پی قتل روح‌الله داداشی بحث رفتارهای خشونت‌گرایانه و همچنین نقش سلاح سرد در چنین حوادثی به شدت سر زبان‌ها افتاده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ماده واحده‌ای در قانون مجازات وجود داشت که در آن افرادی که با چاقو یا هر نوع سلاح سرد ایجاد مزاحمت یا قدرت‌نمایی یا ایجاد رعب و وحشت کنند مجازات خواهند‌شد. این قانون تا زمان تصویب ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی اجرا می‌شد اما با تصویب ماده ۶۱۷ قانون قبلی ملغی شد. این ماده قانونی تأکید می‌کند، افرادی که با چاقو یا هر سلاح دیگری اقدام به ایجاد رعب و وحشت، قدرت‌نمایی یا مزاحمت کنند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. این مجازات وقتی اعمال می‌شود که فرد مجارب شناخته‌نشود. با توجه به این ماده قانونی می‌بینیم صرف همراه داشتن چاقو جرم نیست و نمی‌توان کسی را به این دلیل بازداشت یا زندانی کرد. به عقیده نگارنده، قانون به اندازه کافی بازدارنده است و ما نیازی به تشدید مجازات در این خصوص نداریم. در واقع بالاآودن آمار چاقو‌کشی یا قتل به وسیله چاقو به دلیل ضعف قانونی نیست و مشکل را باید در جای دیگری جستجو کرد. در حالی که خشونت در جامعه رشد زیادی داشته، به ما ثابت شده است شدیدترین مجازات‌ها هم نمی‌تواند در کاهش آن کارساز باشد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم به جای تشدید مجازات باید عوامل را شناسایی و با آن مقابله کنیم. مشکل در داشتن چاقو نیست. چاقو یک وسیله کاربردی در همه جای دنیاست و هیچ کشوری هم داشتن چاقو را جرم محسوب نمی‌کند. ما باید بدانیم ضعف فرهنگی و اضطراب زیادی که عمده مردم دچار آن هستند و مشکلاتی که در جامعه وجود دارد و بارها و بارها در مورد آن صحبت شده، علت اصلی افزایش خشونت است. البته من کتمان نمی‌کنم داشتن قمه، شمشیر یا چاقوهای تزئینی هم به منظور استفاده ناصحیح است، مسلما کسی که با خود چنین ابزاری را حمل می‌کند قصد استفاده صحیح از آن را ندارد و طبیعتاً باید با این موارد برخورد یا از تولید چنین وسایلی جلوگیری کرد. نکته‌ای که به آن تأکید می‌کنم، این است که در برخورد با جرم نباید به تشدید مجازات و برخورد‌های ضربتی فکر کرد و آن را موثر دانست. تشدید مجازات‌ها و برخورد‌های ضربتی در یک مقطع زمانی کوتاه می‌تواند موثر باشد اما باید بتواند تأثیر آن به چند ماه هم نمی‌رسد. ما باید معضلات را علمی و ریشه‌ای حل کنیم و تکیه صرف ما باید برخورد‌های فیزیکی و ظاهری نمی‌تواند دردی در درمان جدی کند. اگر حمل چاقو- آن طور که برخی بر آن تأکید دارند- ممنوع شود و حتی اگر همه چاقوها را از کشور جمع کنیم اما عواملی که باعث ایجاد عصبانیت و استرس شهروندان می‌شود، پابرجا بماند، وسیله دیگری جایگزین چاقو خواهد شد و مردم خشم خود را با آن وسیله جدید نشان خواهند داد. باید توجه داشت کشورهای پیشرفته در علم حقوق، قوانین مجازات محور ندارند بلکه قوانین آنها پیشگیرانه است و در واقع با علت برخورد می‌کنند نه با معلول. نباید فراموش کرد هیچ مجازاتی فی‌نفسه پیشگیرانه نیست. تا زمانی که ما به این امر اعتقاد پیدا نکنیم به جای برخورد با علت فقط به برخورد با معلول فکر می‌کنیم و این چاره کار نیست.

✽حقوقدان

رخداد

اضافه وزن زن، دلیلی برای طلاق

■ ایسنا: مردی به این دلیل که همسرش اضافه وزن دارد رسا مراجعه به دادگاه خانواده خواستار جدایی از او شد. این مرد به رییس دادگاه گفت: سال ۸۶ با همسرم ازدواج کردم- او زنی خوش‌برخورد و مهربان است اما متأسفانه برای حرف من ارزش قابل نیست. او به علت اضافه وزن نمی‌تواند زیاد از خانه خارج شود چون خیلی زود خسته می‌شود و به جرات می‌توانم بگویم چندین ماه است ما حتی برای قدم زدن بیرون نرفته‌ایم. هر بار که از او می‌خواهم به گردش برویم، خستگی را بهانه می‌کند و مرا همراهی نمی‌کند. این مرد جوان ادامه داد: بارها از همسرم خواست‌ام به پزشک تغذیه مراجعه کند تا بتواند اضافه وزنی را که دارد، کاهش دهد اما او با سماجت تمام می‌گوید نمی‌خواهد وزنش را کم کند. حالا روز به روز وزن همسرم اضافه می‌شود و او از این وضعیت راضی است. البته همسرم از ابتدا از لحاظ ظاهری همین‌گونه بود ولی فکر می‌کردم با مراجعه به پزشک می‌تواند وزنش را کاهش دهد که این کار را نکرد و حالا من می‌خواهم سرکوفته‌های همسرم و خلوات‌های خسته شدم دیگر توان ادامه زندگی با شوهرم را ندارم. او من را همین‌طور که هستم به همسری انتخاب کرد اما حالا به خاطر اضافه‌وزن، خواهان طلاق است. من هم اشتیاقی به ادامه زندگی با او ندارم.